تاریخ مشروطیت ایران

شریف، مهدی

میرزا احمد خان علاء الدوله پسر مرحوم رحیم خان حاجب الدوله ناصر الدین شاه‏ هم حاکم تهران است.دیشب را پرتی از جناب حاجی میرزا حسن رشدیه از قرار تفصیل‏ ذیل بجهت من آمد که نوشته بود که چون تجاوز کسبه را دیدم که از آنان کناره‏گیری دارند صلاحا امروز رفتم جناب علاء الدوله حاکم را ملاقات کردم گفتم هرچه در خلال امور صدر اعظم اقدامات کردید اثری ندارد ولی هرروزه میتوانند بیک اقدام تمام مقاصد خود را نایل شوند یعنی عین الدوله بکلی معزول شود.اول از شنیدن این کلام تحاشی کرده که بهتر از این صدر اعظم کی دیده‏ایم که بعزلش بکگشتیم شما چرا متهم می‏کنید که برعلیه ایشان اقدام‏ کرده باشم.چند فقره از اقدامات محرمانه‏شان را ذکر کردم دانستند که من بی‏خبر نیستم‏ آنگاه فرمودند حالا چه باید کرد؟

گفتم شما حاکم هستید،فردا دو سه نفر از تجار را بیک مستمسکی چوب بزنند تا تجار به علما بگروند.تجار که به علما جمع بشوند صدر اعظم معزول میشود و مقاصد شما حاصل‏ میگردد.فرمود عاقبت من بکجا میرسد؟

گفتم از حکومت معزول و به صدارت و یا وزارت منصوب میشوید.قبول کرده قول‏ داد که فردا اقدام خواهد شد لازم دانستم که خاطر جنابعالی را مسبوق نمای که فردا یک‏ صدائی بلند خواهد شد دانسته باشید بجهت جلوگیری از این حرفها چند نفر از این تجار را احضار کرده بعد از حاضرشدن و عتاب و خطاب دو سه نفر را امر به حبس کرد مابقی فرار نموده بعد حبسی‏ها را به مستمسک‏گرانی قند چوب میزند منجمله حاج سید هاشم که از سادات‏ خیلی محترم به سن شصت ساله و معروف به تقدس و دیانت و متصدی ساختن مسجد و پل و اعمال خیریه چوب مفصلی به او میزند که در زیر چوب غش می‏کند بعد هم حبس می‏کند این‏ قضیه در روز پانزدهم شوال 1323 واقع بوده در روز شانزدهم تجار بازارها را بسته و در مسجد شاه اجتماع کرده برحسب دستور کارفرمایان مردم به خانهء حجه الاسلام بهبهانی و طباطبائی و آقای صدر العلماء و آقای حاج شیخ مرتضی و آقای آقا شیخ محمد صادق رفته‏ هریک را به مسجد شاه حاضر کردند ولی آقای بهبهانی با عهد و پیمان با تجار تشریف آوردند که حکایت شورش شهر صفر نشود همگی قول و عهد داده که عبدا قصوری نخواهد شد بعد از توقف یکی دو ساعت در مسجد حاجی مشیر لشکر از جانب دولت به مصالحه و مسالمت‏ آمده آنچه مذاکرات و مهربانی کردند مورد قبول نشد اعلیحضرت چهار ماه مهلت خواسته‏ که همه مستدعیات شما را قرین انجام می‏دارم علاء الدوله حاکم هم به جناب آقای امام جمعه‏ محرمانه پیغام میدهد که باید این جهت را متفرق کرد قبل از وقت هم جماعتی را در خانه‏ آقای امام حاضر کرده که در وقت حاجت مهیا و مستعد باشند بعضی از مصلحین چنین صلاح‏ دیدند که جناب آقای آقا سید جمال صدر المحققین که واعظ مسجد شاه است برود منبر قدری موعظه کرده بعد هم بگوید که مردم شب بروند خانه‏های خود باز صبح بیایند تا کارها اصلاح شود.جناب آقا به منبر رفته قدری موعظه،قدری نصیحت،قدری مذمت از ظلم، قدری تعریف از عدل،قدری اظهار نارضائی از حکومت تهران،قدری اشاره به بی‏اعتنائی‏ به احکام که شایع شده است که یک دفعه جناب آقای ابو القاسم امام جمعه برخاسته‏ قدری تغییر و تعرض و فحش به آقا سید جمال داده امر کرد سید را از منبر پائین کشیدند گهان آدمهای امام و فراشهای مسجد و آدمهای مخفی‏شده در خانه امام با چوب و چماق و قداره و قمه بسوی مسجد ریخته بزن‏بزن از یک طرف هم کر مسجد را حرکت داده صدای‏ عراده کر مشتبه شد با صدای عراده توپ عموم‏مردم فرار کرده متحیر بودند که این چه بازی‏ بوده آقایان علما همگی در مدرسه مروی حاضر گردیده تا سه ساعت از شب رفته در مدرسه‏ بودند حکومت هم در مقام جلوگیری از مردم می‏باشند من بنده دو کلمه کاغذ خدمت حجه الاسلام‏ بهبهانی نوشته که خوب است آقایان را متفرق کرده خود آقا هم بمنزل تشریف ببرند تا به بینیم چه باید کرد فورا آقایان متفرق شدند چهار از شب رفته خدمت حجه الاسلام‏ رسیده عرض شد که فردا مسلما یا در منزل جنابعالی یا در مدرسه مروی اجتماع مردم خواهد شد حکومت هم جماعتی را دستگیر خواهد کرد غیر از بدنامی نتیجه نخواهد داشت خوب‏ است بوقت اذان صبح جنابعالی تشریف‏فرمای حضرت عبد العظیم شوید بعد هم سایرین‏ به تفرقه خواهند آمد در زاویه مقدسه باسد متحصن شد و حرف حساب خود را گفت و اطلاح‏ مملکت را خواست.حجه الاسلام قبول کرد بعد هم در همان چهار ساعتی به بعضی از علماء اطلاع داده شد که صبح باسد به حضرت عبد العظیم رفت.مصمم باشید.همگی قبول‏ کرده عازم شدند تا بعد خداوند چه مقرر کرده باشدوامید است آنچه خیر است پیش آید.

تذکره سیم:صبح 17 شوال 1323 آقای معظم له قبل از آفتاب کالسکه نشسته عازم زاویه مقدسه‏شده در خانه اعتماد التولیه ساکن هریک از آقایان هم فردا فرد روانه شدند اگرچه آدمهای آقای امام جمعه جماعتی از آقایان را از دم دروازه گرفته سر قبر آقا توقیف‏ کردند بعضی را هم مانع شدند.این فقره که شهرت کرد از دروازه‏های دیگر روانه شدند طلاب مدرسه هم خورده‏خورده روانه شدند حجرات صحن و مدرسه و خانه‏های اطراف‏ حرم مطهر دیگر جای خالی باقی نیست حاجی شیخ محمد و حاجی شیخ مهدی واعظ یکی‏ چادر سر کرده و یکی توی کالسکه خدمتکارهای خانه آقای بهبهانی دمر افتاده به زاویه مقدسه‏ رفته‏اند و مشارالیه با میرزا باقر و بعضی واعظهای دیگر در صبح و عصر و شب در صحن‏ مقدس خبر میبردند و بی‏نظمی‏های دولت و تعدیات حکام و مامورین دولت را در خارجه‏ نسبت بر رعایا و به ستوه‏آمدن مردم را ذکر و جهت تحصن علماء و استدعای آنها را یاد آور میشوند که بجهت آسایش ملت علماء اعلام یک عدالتخانه میخواهند تجار هم حاضر شده پولی سرنویس کرده ناظر و آشپزخانه مرتب کرده شام و ناهار و چای به عموم مردم‏ میدهند آقایانی که در خانه منزل کرده‏اند نقدا مخارج داده میشود.منزل حجه الاسلام‏ بهبهانی مرکز است و با جمعی از اتباع خود که در خدمت آقا هستند آقای طباطبائی با اتباعش جدا،آقای آقا میرزا مصطفی با اتباعش جدا،آقای آقا شیخ محمد صادق کاشانی‏ با اتباعش جدا،آقا آقا سید جمال افجه‏ای با اتباعش جدا،آقای حاج میرزا علی محمد دولت‏آبادی،با اتباعش هم تقریبا قریب دو سه هزار نفر متحصن در زاویه مقدسه‏ میباشند من بنده هم در شهر هستم همه روزه شب‏ها جناب میرزا نصر الله خان مشیر الدوله‏ و سایر رجال دولت ملاقات،وارد مذاکرات لازمه میشود،بعضی اشخاص هم در شهر مشغول‏ بعضی تدبیرات پیشرفت امور هستند منهم هفته‏ای یک شب به حضرت عبد العظیم میروم‏ تذکرات لازمه خدمت آقایان میشود.در 28 شوال که به زاویه مقدسه رفته بودم کاغذی‏ دیدم که از مردم شهر خدمت حضرت حجة الاسلام بهبهانی نوشته بودند گرفته سواد کردم‏ که بنظر جناب مشیر الدوله برسانم که بدانند مردم تا چه مقام ایستادگی دارند و از هیچ‏ جور اقدامات مضایقه ندارند.ناتمام

دفتر مجله محترم وحید63

در شماره

مقالهء حاج قائم مقام التولیه رضوی چند غلط چاپی روی داده‏ که دو غلط آن فاحش است و به شرح زیر استدعای تصحیح در شماره بعدی دارم«فرزانه» صفحه 26 آقای عیسی مشار نه مستشار صفحه 28 متولی موقوفات سادات رضوی نه متوفیات سادات رضوی